

آمیولانس

عروس رفته جاقو بخوره



پوریا عالمی

«زنم را کشتیم چون بدون اجازه من بیرون رفته بود و وقتی به او گفتم این کار را نکن، جواب سریلا داد و با هم در گیر شدیم، من که خیلی عصبانی بودم با ضربه جاقو او را به قتل رساندم» گوش کردی؟ این را دیروز صفحه حوادث روزنامه «شرق» منتشر کرده. بعد ما شاکي هستيم چرا کارکردن خانم‌ها در کافی‌شاپ‌ها را می‌خواهند ممنوع کنند یا اجازه ورود خانم‌ها به ورزشگاه‌ها داده نمی‌شود. بابا طرف توی خانه خودش امنیت جانی ندارد، بعد بیاید توی خیابان یا برود توی ورزشگاه چی می‌شود؟ خون و خونریزی راه می‌افتد. به نظر ما نه‌تنها باید ورود زنان به کافی‌شاپ‌ها و ورزشگاه‌ها ممنوع باشد، بلکه باید اصلا نگذاریم پایشان را از خانه بیرون بگذارند. بعد هم اگر در خانه می‌مانند و شوهر دارند، حتما باید برادرِبزرگه یا پدرشان در منزل بماند تا امنیت زن در خانه تامین شود. اگر امنیت زن در خانه تامین شد و شوهرش عصبانی شد نکشتش، آن‌وقت می‌شود به فکر امنیت زنان در جامعه افتاد.

البته با این وضع، که زنان در خانه در خطر جاقو هستند، اگر بروند وسط گود، حتما می‌توانند از خودشان دفاع کنند. چون کسی که در خانه جاقو نخورده و زنده مانده، بلد است جلو قمه هم جاکالی بدهد

دیالوگ

: عروس خانوم آیا بنده وکیل‌م شما را به مهره ۱۰ شاخته گل و دو قمه و سه جاقو دسته‌صدفی و یک ساطور و یک پنج‌په‌وکس به عقد آقاآداماد دربیاورم؟

- عروس رفته جاقو بخوره و بیاد.

دیالوگ ۲

: عزیزم تو حاضری برای عشقمون چی کار کنی؟

-واسه عشقمون حاضرم جاقورو تا دسته فرو کنم تو قلبت.

:دروغی نگي‌ها عشقم.

دیالوگ ۳

:اگه ما فردا دعوامون بشه، من‌رو با چی می‌زنی؟

- جاقو یا ساطور یا قمه هرکدام که خودت دوست داری. چون من معتقدم باید به زن حق انتخاب داد.

آمیولانس بدبخت

یک روزهای رنگ می‌زنند به آمیولانس می‌روی می‌بینی زن بدبختی را شوهرش با جاقو زده، در آن لحظه آرزو می‌کنی جای سستون طنز در روزنامه، می‌رفتی قبرستان و بالا سر زن بخت‌برگشته، به جای زن در خانه و جامعه مرتبه می‌خواندی.

رویداد

کاخ گلستان

به استقبال «مبارک» می‌رود

● کاخ گلستان میزبان جشنواره عروسکی تهران- مبارک خواهد شد. این تصمیمی بود که در جلسه‌ای با حضور «مرضیه برومند» دبیر جشنواره، «پیمان شریعتی» مدیر اجرایی و «امجد جوزانی» مدیر موزه انتظامی، با مدیریت کاخ گلستان «پروین نقلااسلام» و «سامان خلیلیان»، مدیر فرهنگی- هنری کاخ گلستان گرفته شد و قرار شد مجموعه کاخ گلستان در روزهای برگزاری جشنواره، میزبان گروه‌های نمایشی این دوره از جشنواره باشد.

براساس این خبر، در حاشیه این جلسه، علاوه بر مرضیه برومند و عوامل ستاد اجرایی جشنواره، «مرضیه محبوب» و «حمید جبلی» نیز با حضور در مجموعه، از نگارخانه‌های کاخ گلستان دیدن کردند.

پانزدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی به دبیری مرضیه برومند از تاریخ ۲۲تا ۲۹شهریور در تهران برگزار می‌شود.

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۳ ۸ ذی‌القعدة ۱۴۳۵ ۴ سپتامبر ۲۰۱۴ سال دوازدهم شماره ۲۱۰۵ ۱۶صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ اذان مغرب ۱۹:۴۶ اذان صبح فردا ۵:۱۳ طلوع آفتاب ۶:۳۹

روزنارفرا

کارتون خواب

ساسان خادم

۵۰۰ هزار آپارتمان خالی در تهران



راهنمای سفر مجانی به کپکشان

مصایب «بخشنده» بودن

ساسان گلفر

می‌گویند آدم‌های خوب، همیشه کلاهشان پس معر که است. آدم‌های بخشنده معمولا در رده آدم‌های خوب قرار می‌گیرند، بنابراین طبیعی است که باید در ته معر که بدنبال کلاهشان گشت. «بخشنده» وقتی فیلم باشد هم، چنین سرنوشتی در انتظارش است. اگر قرار باشد نامش در فهرست فیلم‌های پرفروش هفته پیدا شود، اول باید از کنار یک عالم «نینتاجا» و «بی‌مصرف‌ها» و... گذشت و گشت تا بالاخره، طالع اگر مدد کند، فیلمی را که عنوانش «بخشنده» است به‌عنوان پنجمین فیلم پیدا کرد. اما «بخشنده‌ها» در مورد بلاهایی که بر سرشان می‌آید، بی‌تقصیر نیستند. فیلم «بخشنده»ای که عنوان فرنگی‌اش The Giver است و در پوستر تبلیغاتی‌اش نام کارگردانی مثل فیلیپ نویس و بازیگرهایی مثل مریل استریپ، جف بریجز، تیلور سوئیفت، کیتی هولمز دیده می‌شود، اقتدر خطاهای واضح دارد که اگر طیف تماشاگرانی که قرار بود از فیلم استقبال کنند مثلا دخترپچه‌ها- بر خلاف انتظار، پشت در سالن‌های سینما صف نکشیدند و آن را ندیدند، خود فیلم و سازندگان‌ش را می‌شود مقصر دانست.

سوال‌ها کوتاه است و جواب‌هایشان کوتاه‌تر. اعلام کرده‌اند که پایتخت تا ۳۰روز دیگر، آبی برای شرب نخواهد داشت، تهرانی‌ها اما هنوز با شیلنگ آب‌شست‌ن ماشین‌ها، حیاط احتمالی خانه و حتی آبیاری باغچه‌های چند ساتیمتری‌شان را ادامه می‌دهند، گویي؛ آب‌از آب تکان نخورده. آن نگرانی و این بی‌تفاوتی اما جایی عجیب‌تر می‌شود که مسئولان هم، چندان هشدار پرتپیننی نداد‌اند و تلویزیون هنوز سر در لاک سریال‌ها و تبلیغ‌های همیشگی دارد. امیرحسن چهل تن، از نویسندگان پایتخت‌نشین است که فکر می‌کند در سرگردانی بی‌تفاوتی مردم و مسئولان نسبت به مسایل اجتماعی مثل بحران کم‌آبی، پای ضعف همدلی دوطرفه در میان است:

❧ شنیده‌اید که تهران تا ۳۰روز دیگر بیشتر آب برای شرب ندارد؟ واکنش‌تان به این خبر چیست؟

چه واکنشی می‌توان داشت؟ سالیان سال است که صحبت از هرزرفتن آب در ایران می‌شود اما کسی توجه اصولی به این موضوع نکرده و حالا به این بحران رسیدایم. بحران‌ها در ایران به همین شکل بروز می‌کنند، مثل آتش زیر خاکستر هستند. تعجب نمی‌کنم که آب آشامیدنی در تهران رو به اتمام باشد چراکه سال‌هاست شاهد ضعف مدیریتی در این حوزه بودایم و طبیعی است که حالا بحران خشکسالی مثل آتش زیر خاکستر سر بیرون کند.

❧ چه‌می‌کنید؟

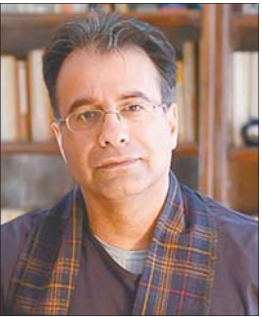
لابد باید کوچ کنیم چون چاره‌ای نمی‌ماند وقتی که آب برای خوردن نیلشدا

تشنگی

واکنش امیرحسن چهلتن به هشدار کم آبی پایتخت:

آب نباشد باید از تهران کوچ کنیم

سعید برآبادی



❧ خارج از کنش فردی، به‌لحاظ شهروندی فکر می‌کنید چه اقدامی باید انجام داد؟ اصلا می‌شود کاری کرد؟

طبیعتا هر شهروندی مسوول است که صرفه‌جویی کند به این شرط که بین شهروندان و مسوولان احساس همدلی وجود داشته باشد.

❧ این پیش‌شرط گذاشتن به این معناست که در حال حاضر این همدلی وجود ندارد؟

اگر تاریخی به موضوع نگاه کنیم همیشه یک احساس دوگانگی میان مردم و مسوولان وجود داشته و همین احساس است که باعث می‌شود هیچ‌وقت این پیام‌ها و هشدارها جدی گرفته نشوند. در خاطره جمعی مردم ایران همیشه مانعی برای همکاری کردن وجود داشته که از عدم اعتماد دوطرفه ناشی می‌شود. مصداق این ماجرا هم فقط بحران کم‌آبی نیست، مثلا آلودگی هوا و نقش شهروندان در کاهش آن. چرا مردم از ماشین کمتری استفاده نمی‌کنند؟ چرا همین که از عوارضی تهران- قم عبور می‌کنیم سطح بیابان پر می‌شود از پلاستیک‌هایی که به خا‌رها چسبیده‌اند؟ اینکه دیگر تقصیر دولت نیست، مردم در رعایت این موضوع خوب عمل نمی‌کنند چون آن احساس یگانگی که لازمه چنین تپندهای اجتماعی است وجود ندارد.

❧ دولت در این شرایط چه مسوولیتی دارد؟

فلا که شرایط کم آبی به حدی جدی است که فرصت این‌جور چانه‌زنی‌ها باقی نمی‌ماند اما باید درسی باشد برای مسوولان که سعی کنند این حس همدلی را به‌صورت واقعی میان مردم و بدنه دولت ایجاد کنند. نباید کار به جایی برسد که یک‌شهروند از دولتش بپرسد که چرا کارشناسان شما این بحران را پیش‌بینی نکرده‌اند که امروز ما در چنین شرایطی گرفتار شویم.

گزارش فردا

بررسی داللود غیرقانونی، توسط بلیقیس سلیمانی، نعمت احمدی و پویا جبل‌عاملی

تیغ دولبه فضای مجازی

عسل عباسیان

تغییر معنای مالکیت اثر در دنیای مدرن

«نعمت احمدی» حقوقدان هم اقتصاددان البته معتقد است که فضای مجازی برای هنرمندان نه‌فقط مصیبت، بلکه موهبت هم به‌شمار می‌رود به شرط آنکه به استفاده مقرون‌به‌صرفه از تکنولوژی بیندیشند» «اینترنت و به‌طور کلی تکنولوژی جدید باعث می‌شود هزینه تولید یک اثر کاهش یابد کند و در عین حال می‌تواند تقاضای زیادی را ایجاد کند. مثلا اگر در غیاب اینترنت یک ناشر آلبوم صوتی یا فیلم را روی دی‌وی‌دی رایت و تکثیر می‌کرد، حالا می‌تواند با یک آپلود ساده آن را در اختیار خیل بی‌شماری از متقاضیان قرار دهد و هزینه‌های عرضه را به میزان چشمگیری کاهش دهد. باید این نوع نگاه به‌جای نالیدن از تکنولوژی، گسترش پیدا کند تا خود جامعه خواهد گذشت اشاره می‌کند و معتقد است با تبیین این آثار می‌توان رعایت حق مولف را در بین مردم نهادینه کرد. «افرادی که به‌صورت غیرمجاز داللود می‌کنند و بابت بهره‌بردن از یک اثر هنرینای نمی‌پردازند در بلندمدت انگیزه را برای ایجاد محصولات هنری پایین می‌آورند. چون خالق یک محصول دیگر نمی‌تواند حتی هزینه‌هایی که متحمل شده را هم بحران جدی می‌داند. باید فکر به سود ماست که مثلا فیلم‌های خارجی را رایگان داللود می‌کنیم، باید بدانیم که نه‌ای‌زانش به خودمان هم می‌رسد. چپس‌ا اگر هنرمندان بتوانند همه آنچه را که باید، از تولیدات هنری‌شان به لحاظ اقتصادی کسب کنند محصولات بعدی‌شان را خودشان با هزینه کمتر در اختیار مخاطبانشان قرار می‌دهند، با توجه به سرعت برق‌آسای پیشروی دنیای مجازی در زندگی حقیقی ما، باید دید نه‌ای‌تچه چاره‌ای برای زندگی مسالمت‌آمیز با اینترنت که می‌توان آن را تیغی دولبه دانست، اندیشیده می‌شود.

در همین حوالی

نگاهی به کار تازه شهرام ناظری و حافظ ناظری

سماع شعر در سمفونی رومی

از مراحل ویژه عشق و عرفان گذشته باشد تا بتواند فراتر از مرزها به پرواز درآید و به لحظه‌های تامل و مراقبه فرصت حضور بدهد. در سمفونی رومی، سنا‌ها از این سو و آن‌سوی جهان در کنار هم خوش‌نشسته‌اند. هر یک تاریخ و زبان افتوخیزها و رنج‌ها و قهرمانی‌های بخشی از جغرافیا را بیان می‌کند. گاهی نیز از سر خشم و اعتراض راه به سوی کولیان سرزمین لورکا می‌برد و استپ‌زن‌های پرتیوبات و فلامنگیوی اسپانیا را به رخ می‌کشد. صدای صلابی رهاشده، زنجیرکسیخته و پرکشیده تا کهکشان‌هایی از گاه پسر از بغض و گریه، تسلیم سرنوشت محتوم آدمی است و با تکرار و تکیه بر یک بیت، با چند ها‌ها و هی‌هی‌هی‌چنگ بر احساسات می‌زند. اما کار، بی‌ق‌راتر از آن است که برای مدتی در سرزمین آندو مان‌دگار شود. برمی‌خیزد و برمی‌خیزاند. به یکباره به شوق و شیدایی و شهود می‌رسد به فضایی خوش‌خوشنایی و قضا و قدری. با نشانه‌هایی از فرازوفرودهای سرسبز و پرلا‌له و نرگس کوه‌ها و تپه‌های کرمانشاه و قصر شیرین و کردستان از بیچ و خم راه، با آوای کماجنگ، ساز و دهل کردی پدیدار می‌شود. پر از رنگ و حرکت و رقص دسته‌جمعی مردمان خوب آب و آفتاب است. پر از انرژی است. در لوج انرژی هم به پایان می‌رسد.



ناهید کبیری

بارها فکر کرده‌ام اگر رابطه انسان با شعر، موسیقی، کتاب، فیلم، نقاشی، تئاتر و آنچه نشانی از عشق و آشتی و تمغن و فرهنگ دارد به پایان برسد، از زندگی چه می‌ماند؟ روزهایی بی‌رقم و پر کسالت و شب‌هایی هولناک و آبدی... آن هم در روزگاری که ذهن جامعه را بنگ‌بنگ خبرها و خش‌خش روزنامه‌ها با خون و خشونت و کشتار زخمی کرده است.

در این میان هنر با مفهوم وسیع تعریف‌ناپذیرش چه بسا بتواند نجات‌دهنده انسان در روزهای آشفته و پریشان باشد. حالا بگذریم که در این ج‌ار و جنجال، بسیاری از آثار ادبی و هنری به چشم نمی‌آیند. یا در محاق می‌مانند، یا فرصت دیده‌شدن، شنیده‌شدن و خوانده‌شدن پیدا نمی‌کنند. مثلا «سمفونی رومی» کار تازه شهرام ناظری و حافظ ناظری بیش‌تر از آنکه در سرزمین مادری‌اش شنیده شود در اروپا و آمریکا شنیده شد و در دیف پرفروش‌ترین آثار کلاسیک